

جوانمردان در تاریخ

نوشته
علی حصوری



کتاب ایران نامگ

۱۳۹۸

سرشناسه	: حصوری، علی، ۱۳۱۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: جوانمردان در تاریخ/نوشته علی حصوری.
مشخصات نشر	: تهران: پردیس دانش، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۰ص.
فروست	: کتاب ایران نامگ.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۰-۱۴۳-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیپا	
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: فتوت -- ایران -- تاریخ
موضوع	: Futuwwa (Islamic social groups) -- Iran -- History
موضوع	: فتوت -- ایران -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	: Futuwwa (Islamic social groups) -- Iran -- Early work to 20th century
موضوع	: تصوف -- فرقه‌ها
موضوع	: Sufism, Sects of*
موضوع	: عرفان -- ایران -- تاریخ
موضوع	: Mysticism -- Iran -- History
موضوع	: تصوف -- ایران -- تاریخ
موضوع	: Sufism -- Iran -- History
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ج۹/ح۶/۲۹۴ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۸۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۴۸۶۰۵۷

جوانمردان در تاریخ

نویسنده: علی حصوری

فروست: کتاب ایران نامگ

ویراستاران: محمد توکلی طرقي و همایون کاتوزیان

ویراست یار: وحید طلوعی

دبیر اجرایی: پریسا توکلی طرقي

برگ آرا و طرح روی جلد: حسین کشتی کار

ناشر: پردیس دانش

محل نشر: تهران

سال انتشار: ۱۳۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۰-۱۴۳-۵

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

مگر تو زلف گشایی و من ز کار وطن
گشایشی ز سر کلک کارساز کنم

م. آرم

فهرست

۹.....	پیش‌گفتار.....
۱۳.....	درآمد.....
۲۳.....	کار و فن در دوره ساسانی.....
۳۵.....	ارزش کار و فن در دوره ساسانی.....
۳۷.....	اهل حرفه در دوره اسلامی.....
۳۹.....	ارزش حرفه و فن در دوره اسلامی.....
۴۳.....	از بتواریگی کالا تا بندگی تولیدکننده.....
۴۷.....	فرقه‌های صوفیانه.....
۵۰.....	ایاران.....
۶۵.....	دو گونه تصوف.....
۶۶.....	جوانمردان یا اهل فتوت.....
۷۱.....	بخش نخست.....
۷۳.....	بخش دوم.....
۸۵.....	از صوفیان تا جوانمردان.....
۱۱۰.....	حروفیان.....
۱۱۲.....	درویشان.....
۱۱۴.....	درویشان عجم.....
۱۱۶.....	قلندران.....
۱۱۸.....	خاکساران.....
۱۱۹.....	سربداران.....
۱۲۰.....	فرقه‌های دیگر.....
۱۲۳.....	انواع رساله‌ها.....
۱۲۷.....	ویژگی‌های رساله‌های جوانمردی.....
۱۳۹.....	کارکرد رساله‌های جوانمردی.....

۱۴۳	رساله‌های نظری.....
۱۴۵	فتوت‌نامه‌امیرالمومنین علی بن ابی طالب.....
۱۴۷	باب در میان بستن و کیفیت آن.....
۱۴۹	باب دیگر.....
۱۵۱	باب در بیان میان بستن خدمت.....
۱۵۲	فصل در بیان نازل شدن خرقة.....
۱۵۴	فصل.....
۱۵۵	باب.....
۱۵۷	رساله‌هایی با چند کارکرد.....
۱۵۹	رساله‌های اهل حرفه.....
۱۶۳	کسب‌نامه نعلین‌دوزان.....
۱۸۹	گزارشی کوتاه.....
۱۹۱	رساله‌های دهقانی.....
۱۹۹	یک رساله دهقانی.....
۲۰۱	قلندرنامه‌ها.....
۲۰۵	بازیافت.....
۲۰۷	پیوست:.....
۲۰۷	رساله ناقص کفش‌دوزان، نسخه دانشگاه اوپسالا.....
۲۱۵	چند فتوت‌نامه.....

پیش‌گفتار

رساله‌های جوانمردی از جمله میراث‌های فرهنگ ملی ماست، گرچه در دوره معاصر تقریباً نشان جوانمردان—که در آیین‌های پهلوانی و چند فرقه درویشی خلاصه شده بود—از میان رفت. چنان‌که از رساله‌های جوانمردان برمی‌آید، جوانمردی از پدیده‌های بزرگ و کم‌وبیش فراگیر اجتماعی و رساله‌های جوانمردان از مدارک باارزش تاریخ در ایران و تا حدی در همه سرزمین‌های اسلامی است.^۱ با این همه، این رساله‌ها تاکنون از دیدگاه تاریخی نگریسته و بررسی نشده‌اند. تقریباً همه پژوهشگران به جنبه متن‌شناسانه، ادبی و غالباً صوفیانه این رساله‌ها توجه کرده‌اند. شاید بهترین نمونه کتابی از لوید ریجون باشد که هرچند جوانمردی را بخشی از هویت ایرانی شمرده، آن را در قالب تصوف و یکسره جریانی صوفیانه دیده است.^۲ من در سال‌های جوانی با این گونه ادبی آشنا شدم و انگیزنده من هم دوست نازنین جوانمرگم مرتضی صراف بود که به این رساله‌ها دلبستگی ویژه داشت. اما سال‌های سال آن را به کناری نهاده بودم که آشکارا به سود من شد. در جستجوی ابزاری بودم بیرون از عرفان که رساله‌ها را با آن بررسی کنم.

^۱چهار رساله ترکی یافته‌ام که دوتای آنها در بخارا و دوتای دیگر در بوسنی نوشته شده‌اند. این رساله‌ها را، که گویای رشد جوانمردی از شرق تا غرب جهان اسلام‌اند، جداگانه به چاپ خواهم سپرد، خصوصاً که زبان آنها ترکی است.

^۲Lloyd Ridgeon, *Morals and Mysticism in Persian Sufism: A History of Sufi-Futuwwat in Iran* (London: Routledge, 2010).

در سال‌های گذشته، چند رساله فتوت و چند مقاله و کتاب هم چاپ شد که یکی دوتای آن و از جمله مقاله "عیاری" در *دانشنامه ایرانیکا* - که فتوت (جوآنمردی) را به جای ایاری گرفته است^۳ - بسیار قابل تأمل است. یا مقاله‌ای از محمدجعفر محبوب که به آن خواهیم پرداخت. در سال‌های اخیر هم اشخاص دلبسته‌ای، که زمینه متن‌شناسی این‌گونه کارها را دارند، به کار نشر این رساله‌ها همت گماشته، وقت بسیاری را به آنها سپرده و کارهای ارزشمندی کرده‌اند. با این همه، هنوز جای بحث تاریخی در آنها خالی است و به این اندازه نمی‌توان خشنود شد.

در کشور ما، به‌رغم سابقه دراز در تاریخ‌نویسی و داشتن مورخان دانشمند و گسترش رشته‌های تاریخ، هنوز رساله‌های جوآنمردی با همه فراوانی و تنوع در بررسی‌های تاریخی جایی نیافته‌اند. این موضوع بدان سبب مهم است که تا حدی وضع اهل حرفه را در دروه‌هایی از تاریخ ایران، به‌ویژه آنچه سده‌های میانه نامیده می‌شود، روشن‌تر می‌کند. دیگر اینکه در بررسی خشک تاریخی برخی از این متون، داده‌های صوفیانه در سایه تاریخ قرار می‌گیرد و از این منظر لازم است کاری جداگانه و با دیدی دیگر پیش گرفت. من با دیدی دیگر تاریخ ایران را بررسی می‌کنم. از نظر من، کمتر دوره‌ای در تاریخ ایران هست که اسناد و مدارک آن درست بررسی و ارزیابی شده باشد. به همین سبب، به خود حق می‌دهم که درباره تاریخ‌نویسی ایران همیشه به گمان باشم، حتی اگر به بدگمانی بینجامد. بدگمانی بهتر از درک ناقص یا اشتباه است. رساله‌های جوآنمردان را هم به همین سبب بررسی کرده‌ام.

تعیین جای تاریخی و در نتیجه کارکرد واقعی این رساله‌ها مهم‌ترین کاری است که باید در خصوص آنها صورت گیرد و بی‌شک نباید سهم آنها را در گسترش تصوف از یاد برد، هرچند می‌باید به تفاوت‌های آنها نیز توجه کرد.

برای نوشتن این کتاب از کمک‌های دوستانی بهره‌ور بوده‌ام. از جمله دوست گرامی دکتر علی میرمحدث، کتابدار بخش دست‌نویس‌های کتابخانه دانشگاه اویسالا، که با یافتن چند رساله در آن کتابخانه مرا رهین منت خود کرد. رساله‌های دانشگاه اویسالا از این رو اهمیت بسیار دارند که با بررسی آنها بر من روشن شد که

^۳ این املا هم برای این واژه در فارسی هست، از جمله در *قرآن قدس*، پژوهش علی رواقی (تهران: مؤسسه فرهنگی شهید محمد رواقی، ۱۳۸۴)، ۶۴.

رساله‌های جوانمردی از گونهٔ رساله‌های کشاورزان‌اند. دوست گرامی دیگرم، دکتر صمد موحد، پاسخگوی چند پرسش من بودند. از خانم پروفسور کارینا جهانی، استاد و رئیس بخش زبان‌شناسی ایرانی در دانشگاه اوپسالا، که در تهیهٔ منابع کتاب مرا یاری کردند سپاس‌گزاری می‌کنم. دشواری‌هایی که برای چاپ این کتاب در ایران پیش آمد، نویسنده را مجبور به چند بار تجدید نظر کرد. بردباری آقای حسن کیانیان، مدیر نشر چشمه، و همکارانشان را در تحمل این دشواری‌ها ستایش کرده، از کمک‌های این دوستان تشکر می‌کنم. همچنین، بسیار سپاس‌گزارم که بعد از تحمل همهٔ زحمات‌ها اجازه دادند که این کتاب در خارج از کشور چاپ شود.

سرانجام سپاس‌گزار هم‌سرم، خانم گیتی شکری، هستم که مثل همیشه پیگیر چاپ این کتاب بود. بیش از سه‌بار متن را خواند، بحث کرد، دلیل آورد، بسیاری جاها را حذف کرد، افزود و پیشنهادهای ارزنده داد. از نظر من، او ویراستار علمی و زبانی کتاب است، گرچه اجازهٔ درج نامش را به عنوان ویراستار نداده است.^۴

به سبب کمبود مراجع، اتفاق افتاده است که از دو چاپ گوناگون یک کتاب یا هم از اصل و هم ترجمهٔ آن استفاده کرده‌ام، امیدوارم خوانندگان این پریشانی ناخواسته را بر من ببخشایند.

در چندمین باری که کتاب را به خواست ناشر و برای کسب اجازهٔ چاپ دست‌کاری می‌کردم، از نشر اثر لوید ریجون در زمینهٔ فتوت آگاه و مجبور شدم برخی نکات را بیش از پیش روشن کنم، زیرا کتاب او هم همانند آثار دیگران ستایش‌نامه‌ای از جوانمردی، اما دقیق‌تر است.^۵

باید یادآور شوم که این رساله هیچ‌به‌جوانمردی در اسلام—که گاه‌گاه به منزلهٔ نوعی اخلاق سفارش شده است—نمی‌پردازد و آن را موضوعی دیگر می‌داند که نباید با کار فرقه‌های صوفیانه بیامیزد.

از آقای دکتر محمد توکلی طرقی که اسباب نشر این کتاب را فراهم کردند و از آقای

^۴ در ویرایش نهایی متن، شیوه‌نامهٔ ایران نامگ به کار بسته شده است.

^۵ لوید در سال ۲۰۱۱ کتاب دیگری دربارهٔ جوانمردان منتشر ساخته است. بنگرید به

Lloyd Ridgeon, *Jawanmardi: A Sufi Code of Honour* (Edinburgh: Edinburgh University Press, 2011).

وحید طلوعی که متن را برای این چاپ ویراستند بسیار سپاس گزارم.

در این کتاب چند واژه تازه به کار رفته که عبارت‌اند از

آمودن: آماده کردن

انبوخته: مجموعه، با انبوه از یک ریشه است.

چهرمان: تیپ

چهرمانی: تیپیک

خانی: مرجع، ماخذ. در متون قدیم به معنی چشمه یا سرچشمه به کار رفته است.

سپند: مقدس

سپندین: قدسی

درآمد

بخشی از تصوف ما با نام جوانمردی مشهور شده است. جوانمردی، همچون شاخهٔ سیاسی تصوف، نامی همگانی و در نتیجه نادرست برای شماری فرقه، از فرقه‌های صوفیانه تا قلندران و رندانه، شده است که گاه فقط همانندی ظاهری دارند و برخی حتی این همانندی را هم ندارند. این کاربرد سابقه ندارد و در گذشته جوانمردی فقط برای فرقه‌ای صوفیانه و ویژهٔ اهل حرفه به کار می‌رفته است. برای نمونه، از سده‌های میانه تا دورهٔ ما کسی قلندران را جوانمرد نمی‌دانست؛ معاصرانند که بی‌سبب و برخی بی‌اینکه خود بدانند، در دام همانندانی این دو افتاده‌اند.

رساله‌های جوانمردان، که مهم‌ترین منابع ما برای بررسی مشرب جوانمردی‌اند، کمتر در قالب کتاب و بیشتر جزوه‌هایی‌اند که اخلاقی آراسته و رفتاری پاک و منزّه را تبلیغ می‌کنند، چنان که به نظر می‌آید نقد آنها به مراتب شایسته‌تر از توصیف آنهاست. مخصوصاً کسی که آشنایی نزدیکی با تاریخ ایران نداشته باشد، هنگام خواندن این‌گونه نوشته‌ها با رویکرد اخلاقی پاک و اندرزهایی فریبا روبه‌رو می‌شود. در پژوهش باید به‌گمان بود که این پاکی و ستردگی ظاهر-همچون بسیاری از پدیده‌های فرهنگ ماسمکن است روکشی بر اندیشه‌ای دیگر و حتی پنهان و هدف‌دار به سود کسانی، و مشهورتر از همه، قدرت‌مداران باشد. به‌ویژه که می‌بینیم برخی از ستمگرترین خلفای عباسی یا شاهان ستمگر ترک و مغول هم به مسلک جوانمردی (فتوت) گرویده و پیشوای آن شده بودند و به این نکته

باید دقت شود. نکته مهم دیگر اینکه بیش از آنکه جوانمردان آوازه داشته باشند، رساله‌های جوانمردی‌اند که چنین نهضت یا فرقه‌ای را بسیار بزرگ‌تر از آنچه بوده است می‌نمایند. شمار توجه‌انگیز این رساله‌ها یکی از علل بزرگ دانستن این پدیده است.

شاید به سبب همین ظاهر آنهاست که برخی از پژوهشگران در ستایش آنها هم زیاده‌روی کرده‌اند. این بدان معناست که کمتر کسی به نقد تاریخی آنها پرداخته است. اما به‌راستی رساله‌های جوانمردی دست‌کم دشواری «زبان» دارند و باید برای درک آنها، به گفته آیزایا برلین،^۱ «با آنها باید خشونت کرد، و گرنه یا آنها را درنخواهیم یافت یا تسلیم خواهیم شد.»^۲ برخی از نوشته‌های کهن ما، به‌ویژه در زمینه تصوف، نیازمند این خشونت‌اند. جوانمردی تصوف عامیانه‌ای برای اهل حرفه است که بی‌گمان به دست کسانی پرورده شده است که دانش خوبی از تصوف داشته‌اند. در این جزوه خواهیم دید که به‌راستی رساله‌های جوانمردی از گونه ادبیات ایدئولوژیک است و تهی کردن آن از پیشینه ایدئولوژیکش این امکان را فراهم خواهد کرد که آنها را از دیدگاه‌های گوناگون و به‌ویژه عرفان و ادبیات بررسی کنیم. به این شکل نمی‌توان نقش تاریخی این رساله‌ها را انکار کرد یا نادیده گرفت. این گونه ادبی در درازنای تقریبی هزارساله عمر خود کم‌وبیش پایدار ماند، زیرا تاریخ ما در ترکیب و شیوه کاربرد قدرت و آهنگ‌های آن کم‌وبیش پایدار ماند.

برخی از پژوهشگران این زمینه بیشتر کوشیده‌اند که اطلاعات گرد آورند، چون یا چنان که باید با تاریخ آشنا نبوده‌اند یا اینکه در ارزیابی متن‌های جوانمردی تاریخ را فراموش کرده‌اند و به پیش‌داوری پرداخته‌اند. گولپینارلی،^۳ دسوقی،^۴ و

¹Isaiah Berlin, *Three Critics of the Enlightenment: Vico, Hamann, Herder*, ed. H. Hardy (London: Princeton University Press, 2000), Preface.

^۲عبدالباقی گولپینارلی، مولویه بعد از مولانا، ترجمه توفیق ه. سبحانی (تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۹)؛ عبدالباقی گولپینارلی، فتوت در کشورهای اسلامی و مآخذ آن، به همراه فتوت‌نامه منظوم ناصری، ترجمه توفیق ه. سبحانی (تهران: روزنه، ۱۳۷۹).

^۳عمر الدسوقی، الفتوة عند العرب او احادیث الفروسية و المثل العليا (قاهره: مكتبة نهضة مصر، ۱۹۵۹).

حتی مصطفی جواد در مقدمه بر *الفتوة*،^۴ محبوب،^۵ ریجون،^۶ و دیگران تقریباً به یک راه رفته‌اند. برخی حتی شیفتهٔ این نوشته‌ها شده‌اند.^۷ در نوشته‌های غربیان در این زمینه هنوز دید دورهٔ استعمار حاکم است و بحث‌های نواز قانون تا ادوارد سعید، گرچه او هم تا حدی دچار توهم بود—هنوز راهی به این در نگشوده است. حتی نویسندگان نسل نو دانشنامه‌ها هیچ تفاوتی با نسل پیشین ندارند، نمونه را نویسندگان *دانشنامهٔ اسلام*، یگانه امری که در این میان تغییر کرده است،^۸ میزان دقت در متن‌شناسی و نیز جامع‌تر شدن آگاهی‌ها به علت چاپ متن‌ها و رساله‌های بیشتر است. دسته‌بندی درستی هم از این آگاهی‌ها فراهم نشده است. در واقع، هنوز در مرحلهٔ تصحیح متن هستیم و نه تفسیر آن.

دشواری بزرگ دیگر در این رساله‌ها و در بررسی آنها این است که سنجشی دقیق از تاریخی و غیرتاریخی بودن، یعنی کارکرد تاریخی آنها، آغاز نشده است تا چه رسد به اینکه به سرانجامی رسیده باشد. همهٔ پژوهندگان (شامل متن‌شناسان و ویراستاران) هر چه را در این رساله‌ها هست، گزاره‌های واقعی، منطقی یا تاریخی و سراسری ایران می‌انگارند و آنها را دست کم همچون دو دسته‌ای که امروزه در ارزیابی گفتمان معمول شده است، جدا نمی‌کنند تا تکلیف تاریخی و واقعی از ناتاریخی و بیانی جدا و روشن شود. با اینکه فقط بگوییم اینها آثار عامیانه یا تصوف عامیانه است، مشکلی را نگشوده‌ایم. عامه عرفان—در معنای کلاسیک آن—نداشته‌اند و آن را نمی‌فهمیده‌اند، وقت آن را هم نداشته‌اند. آنان همین که کلیات دینشان را می‌فهمیدند، کافی بود.

^۱ابوعبدالله محمدبن المکارم ابن معمار البغدادی الحنبلی، *کتاب الفتوة*، تصحیح مصطفی جواد (بغداد: مکتبه المثنی و مکتبه الشفیق، ۱۹۵۸).

^۲محمدجعفر محبوب، "آیین عیاری"، در *ادبیات عامیانهٔ ایران: مجموعه مقالات دربارهٔ افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران*، به کوشش حسن ذوالفقاری (تهران: چشمه، ۱۳۸۲)، ۹۵۳-۹۶۷؛ محمدجعفر محبوب، "جوآنمردی و آیین آن"، در *میراث تصوف*، ویراستهٔ لئونارد لویزن، به کوشش مجدالدین کیوانی (تهران: مرکز، ۱۳۸۴)، جلد ۱، ۲۹۶-۳۱۴.

^۳Ridgeon, *Morals and Mysticism in Persian Sufism*.

^۴از آن جمله‌اند ریجون در سراسر کتاب پیش گفته و مشخصاً در مقدمهٔ آن و نیز تا حدی محبوب. نیز بنگرید به مهران افشاری و مهدی مدائنی، *چهارده رساله در باب فتوت و اصناف* (تهران: چشمه، ۱۳۸۱)، مقدمه؛ مهران افشاری (گردآورنده)، *فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساربه: سی رساله* (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲)، مقدمه.

^۵Cl. Kahen and W.L. Hanaway, "ayyār," in *The Encyclopedia Iranica* (New York: Columbia University Press, 1989), vol. 3, 159-163.

بی‌گمان در نوشتن و نشر این رساله‌ها، چنان که در حمایت و ترویج جوانمردی، آهنگی سیاسی آشکار است.

نمونه جدید و پیش چشم چنین آثاری کتاب ریجون است. او تشیع، تصوف و ناسیونالیسم—که نمادش را *شاهنامه* می‌داند—را معرف هویت ایرانی می‌شناسد.^۹ این مسئله اگر هم درست باشد، فقط مربوط به پنج سده گذشته و در جغرافیای ویژه‌ای است که هم ناسیونالیسم و هم تصوف، و در نتیجه جوانمردی، سده‌ها پیش از آن آغاز شده و با افت و خیزهایی بالیده بوده است. گذشته از این، هنوز نشانه‌ای از جوانمردی در جنوب خراسان و سیستان و بلوچستان، لارستان و سواحل جنوب، لرستان، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، گرگان و مازندران، گیلان و تالش، غرب آذربایجان و بخش‌های بزرگی از کردستان نیافته‌ایم. اگر این پدیده از جمله گویای هویت ملی ما بوده، بایستی در این سرزمین‌های بزرگ هم که شاید معادل بیش از نیمی از ایران کنونی می‌شود هم می‌بود و من نشانی از آن نیافتم.^{۱۰}

روشن است که این سخنان به هیچ روی برای کاستن از ارزش کارهای آن دانشمندان نیست. آنان آغازگر بوده‌اند و هستند و متن‌شناس یا اهل بررسی در فرقه‌های اسلامی و نه مورخ. نبود یادگارها یا نشانه‌های تاریخی در این رساله‌ها را باید بررسی کرد.

از دیدگاه من، رساله‌های جوانمردان یکی از مهم‌ترین انواع بازمانده از ادب ایران است که ارزش‌های فراوان تاریخی—و هم‌زمان غیرتاریخی (به معنای ادبی و سخن‌پایه) و صوفیانه—دارند. نام و آوازه آنها هم بسیار فریبنده است و شاید همین فریبندگی سبب شده است که کمتر بتوان با آنها با روحیه انتقادی برخورد کرد. بخش مهم و به‌ویژه نوتر این نوشته‌ها در مرز میان ادبیات رسمی و ادب عامیانه مانده است. از جهتی ویژگی‌های ادب رسمی را دارد و اشخاصی آنها را نوشته‌اند که در زمینه ادب رسمی قلم زده‌اند،^{۱۱} و از طرفی نوشته‌های عامیانه در آنها بسیار است

^۹Ridgeon, *Morals and Mysticism in Persian Sufism*, preface.

^{۱۰} از ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۹، بخش فراوانی از وقتم را صرف پژوهش میدانی در سراسر ایران کرده‌ام. در همه جای ایران سراغ جوانمردی را گرفته‌ام. در جاهایی که نام بردم، حتی نام فتوت، جوانمردی و مانند آن را به عنوان درویشی یا فرقه‌ای از درویشان نمی‌شناختند و به ندرت از اخلاق سخن می‌گفتند.
^{۱۱} مانند فتوت‌نامه‌هایی از سلمی، شهاب‌الدین سهروردی، نجم‌الدین زرکوب و *فتوت‌نامه سلطانی* از ملاحسین واعظ کاشفی.

و اینکه بسیاری از آنها حتی نام نویسنده ندارد، خود به این فکر کمک می‌کند که جزو ادبیات عامیانه‌اند.^{۱۲} اما روشن است که اگر نویسنده نخست آگاهی‌های خوبی از تصوف/عرفان نداشته باشد، فراهم آوردن بسیاری از چنین آثاری بسیار دشوار و نشدنی است. دیگر اینکه کمتر کسی از توده مردم ممکن است به تألیف اثری عرفانی بپردازد. ساده‌ترین و خلاصه‌ترین این نوشته‌ها کار صوفی حرفه‌ای و باسوادی است، اما بی‌گمان طیف بزرگی از اهل حرفه را مخاطب خود قرار می‌دهد و به همین سبب یکدست نیست.

سبک نگارش، زبان عامیانه و سرپیچی از دستور زبان زمانه از جمله نشانه‌هایی است که بخشی از این گونه نوشته‌ها را به ادبیات عامیانه نزدیک می‌کند، گرچه ممکن است این پدیده‌ها مربوط به مدت زمانی پس از تألیف و ناشی از دستکاری عامه باشد. بخشی از رساله‌ها هم از بیخ و بنیاد عامیانه‌اند، به‌ویژه رساله‌های قلندری و جوآنمردی.^{۱۳}

از آن سوره‌هایی را نیز اشخاصی نوشته‌اند که در تصوف حرفه‌ای بوده‌اند و این گمان را برمی‌انگیزد که شاید آهنگ از نوشتن این رساله‌ها، گذشته از مقصود ایدئولوژیک، گشایش در ادب رسمی بوده باشد. اما گذشته از آگاهی‌های صوفیانه، به دلایل دیگری که گفته خواهد شد، بنیاد اندیشه در این نوشته‌ها از توده مردم نیست.

این نکته بسیار مهم است که توده مردم دین دارند و نه هم دین و هم عرفان؛ مگر در جاهایی از جهان که دین و عرفان یکی باشد، مانند جاهایی که پیرو دین بودا هستند. توده مردم، آن هم در جهان محدود گذشته که حتی چیزی مگر کلیات دین را نمی‌آموختند، وقت و توانایی آموختن تصوف را نداشتند. باید در اینکه این رساله‌ها را هم اهل حرفه درست یاد می‌گرفته‌اند یا نه به گمان بود. نشانه‌هایی در خود رساله‌های جوآنمردی هست و از جمله سفارش‌های شدید به حفظ آنها که خواهیم دید.

تعیین و تعریف نوع این گونه ادبی کار ادیبان و سخن‌سنجان است، اما آشکارا در همه

^{۱۲} نیز بنگرید به افشاری و مدائنی، چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، سه.

^{۱۳} افشاری، فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساربه، ۶۵ به بعد.

این گونه نوشته‌ها کوشش برای مهار کردن اهل حرفه دیده می‌شود. پژوهشگران یا از این رساله‌ها تعریف و تمجید کرده‌اند یا در بهترین حالت به گفت‌وگوهایی روی آورده‌اند که به نتیجه روشنی نمی‌رسند، از آن جمله اینکه "مروت" اسلامی تا چه اندازه به پیدا شدن فتوت کمک کرده^{۱۴} یا جوانمردی در تصوف اثر گذاشته یا تصوف در آن. از هر کدام هم که آغاز کرده‌اند، تفاوتی نداشته است؛ یعنی نکته‌ای را که سرشت تاریخی داشته باشد روشن نکرده‌اند.

برخی به صورتی کلی گفته‌اند که این رساله‌ها دارای نشانه‌هایی از فرهنگ ایرانی پیش از اسلام‌اند و بستن شد (کمر) را با بستن کشتی یا پوشیدن سروال (شلوار) را با سدره‌پوشی همانند دانسته‌اند.^{۱۵} بی‌گمان این نشانه‌ها درست است، به‌ویژه از آن رو که در دوره اسلامی ادامه یافته است، با این همه باید آنها را با دقت در نظر آورد. در تاریخ‌های ما، فراوان از بستن کمر دولتمردان به دست شاهان سخن رفته است: "امیر فرمود تا کمر شکاری آوردند مرصع به جواهر و وی را پیش خواند و به دست عالی خویش بر میان او بست،"^{۱۶} اما جوانمردی، به دلایلی که گفته خواهد شد یا تصور کرده‌اند، دستمایه‌ای در پیش از اسلام برای ظهور آن در دوره اسلامی نداشته است. جوانمردی سازگار با اندیشه‌های اسلامی و خواست حکومت‌ها بوده است. خواهیم دید که جوانمردی پیش از اسلام سابقه ندارد. نمونه را در تاریخ سیستان فقط از ایاران سخن رفته و نه جوانمردان—گو اینکه جوانمرد خود صفت ایاران و اصطلاحی ایاری است که پس از اسلام از ایاری وام گرفته شده است—یا جوانمردان سیفی برخلاف تصور برخی از پژوهشگران^{۱۷} مناسبتی اساسی و تاریخی با ایاران ندارند و این مناسبت فقط محدود به جنبه نظامی آنهاست.

در واقع، بررسی این رساله‌ها به شکلی صورت گرفته است که نتیجه بررسی مطلبی درباره جامعه و تاریخ نگفته باشد یا رساله‌ها را در کل همچون موضوعی در توسعه

^{۱۴}Ridgeon, *Morals and Mysticism in Persian Sufism*, 5 ff.

^{۱۵}افشاری و مدائنی، چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، ۱۲؛

Ridgeon, *Morals and Mysticism in Persian Sufism*.

^{۱۶}ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی، تاریخ بیهقی (تهران: عصار، ۱۳۵۶)، ۱۷۴ و نیز ۱۹۵، ۳۴۷، ۳۵۱، ۳۷۷ و جاهای بسیار دیگر.

^{۱۷}افشاری و مدائنی، چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، ۱۲.

فرهنگ صوفیانه یا دینی در نظر گیرد و خلاصه اینکه رابطه آنها با زمان بریده شود. این نکته را به شکلی دیگر ریجون هم یادآور شده،^{۱۸} گرچه خود هم کم‌وبیش همین کار را کرده است.

در نتیجه این‌گونه بررسی‌ها را فقط در بررسی تاریخ تصوف می‌توان جدی گرفت، گرچه از این لحاظ هم قابل نقدند که هرچه را در این رساله‌ها، به‌ویژه در تاریخ تصوف هست، گزاره‌های واقعی می‌پندارند. مگر هیچ صاحب‌ایدئولوژی در تاریخ هست که درباره فرقه‌های دیگر داوری عینی داشته باشد. چنان که خواهیم دید، حتی پژوهشگرانی چون هانری کربن یا دانشمندان دوره اتحاد شوروی و در بررسی‌های نوتر هم به این جنبه (جنبه تاریخی و در نتیجه بازدارنده) این ادبیات توجه نکرده‌اند. البته دوجنبگی این نوشته‌ها هم انسان را دودل می‌کند. چنین می‌اندیشم که رساله‌های جوانمردی وسیله‌ای برای حفظ موقعیت قدرتی بوده است که از نیرو گرفتن اهل حرفه هراس داشته است و امیدوارم این امر را نشان دهم. البته روشن است که چنین نظری نتیجه بررسی است و نه پیش‌داوری.

از آنجا که کوشش برای مهار اهل حرفه ذاتی تاریخ ایران، و بلکه جهان، در همه دوره‌هاست، در این نوشته کوشیده‌ام نشان دهم که این رساله‌ها از جمله نتایج و دنباله آن سیاستی در تاریخ ایران است که پس از دوره اشکانی و با رشد شهرنشینی و صنعت‌گرایی^{۱۹} می‌خواسته است نیروی کار و اهل حرفه شهری در ایران از دایره دید و فرمان حکومت بیرون نرود و سرخویش نگیرد. این کوشش به شکل دیگری، و نه به شکل جوانمردی، در دوره ساسانی هم صورت گرفته بود.^{۲۰}

همه نشانه‌ها در رساله‌های جوانمردان، با توجه به اینکه هدف آنها جذب اهل حرفه است، ما را به این نتیجه می‌رساند که وضعیت اهل حرفه را از دوره‌ای بررسی کنیم که مقدمه تاریخ ایران در دوره اسلامی است، به‌ویژه که این دوره، یعنی دوره

¹⁸Ridgeon, *Morals and Mysticism in Persian Sufism*, 2.

¹⁹بنگرید به آثار افشاری، فصل اول کتاب ریجون و نیز محمدرضا شفیعی کدکنی، قلندریه در تاریخ دگردیسی‌های یک ایدئولوژی (تهران: سخن، ۱۳۸۶).

²⁰N. Pigulevskaya, *Goroda Irana V Rannem Crednevekovie* (Mockva-Leningrad: Akademi Nauk CCCR, 1956).

ساسانی، پدر واقعی دوره اسلامی است و از این لحاظ تفاوتی میان این دو نیست. می‌توان گفت که با تحول ایران از دوره ساسانی به اسلامی فقط نام خدا، کتاب، پیامبر و دین عوض شد و احکام ساسانی در خصوص کار و وظایف اهل حرفه تقریباً دست‌نخورده ماند. این احکام را کمتر به زبان عربی می‌نوشتند و پس از پدید آمدن آرامش، بیشتر آنها را به فارسی نوشتند، زیرا تغییر دین چندان تغییری در بافت اجتماعی، چه در عربستان و چه در دیگر سرزمین‌های اسلامی، پدید نیآورد و نظام قبیله‌ای و زندگی مبتنی بر غارت در عربستان و نظام طبقاتی پیشرفته‌ای در بازمانده جاها ادامه یافت. در ایران بود که به دنبال دوره ساسانی و با ادامه رشد شهرها، به "عصر زرین تمدن اسلامی"^{۲۱} رسیدیم که خود بحث‌انگیز است.

مسئله مهم درباره رساله‌های جوآنمردان چگونگی خوانش و گزارش درست آنها از آغاز انتشار در دوره معاصر تاکنون است. بیشتر مصححان و شارحان از سویی تفسیرها را به جانب تصوف، اخلاق و اندیشه‌های آرمان‌خواهانه کشانده‌اند و با آمیختن اندیشه‌های صوفیانه و عارفانه با هرچه در تاریخ ما یاری، جوآنمردی و فتوت نام گرفته، درست مانند خود رساله‌ها، ما را از فهم درست و نقش تاریخی یاری و جوآنمردی و به‌ویژه نهضت و رساله‌های جوآنمردی محروم کرده‌اند. گاه حتی آموزش‌های جوآنمردی را ستوده‌اند.^{۲۲} چنان که گفته شد، کان و هناوی در *دانشنامه/ایرانیکا* هم نکته تازه‌ای درباره این رساله‌ها نگفته‌اند.^{۲۳} ریچون جوآنمردی را بخشی از تصوف و در نتیجه، نماد هویت ایرانی دانسته،^{۲۴} آن را مثبت ارزیابی کرده است. هدف این نوشته گزارشی دیگر و تاریخی‌تر، اما کوتاه، از این‌گونه اسناد است.

²¹Richard N. Frye, *The Golden Age of Persia* (London: Weidenfeld & Nicolson, 1975);

ریچارد ن. فرای، *عصر زرین تمدن اسلامی*، ترجمه مسعود رجب‌نیا (تهران: سروش، ۱۳۵۸)، مقدمه و بخش اول.

²²محبوب، "آیین عیاری"، جلد ۲، ۱۱۸۳؛ افشاری، *فتوت‌نامه‌ها و رسایل خاکساریه*، ۴۶-۴۵؛ مهران افشاری، *آیین جوآنمردی* (تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۴)؛ *تحفه‌الاخوان: در بیان اصول فتوت و آداب فتیان*، تصحیح محمد دامادی (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱)؛ صالح‌بن جناح، *الادب والمروه: با تحقیق در فراز و فرود فتوت و جوآنمردی*، تصحیح محمد دامادی (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳).

²³Kahen and Hanaway, "ayyār."

²⁴Ridgeon, *Morals and Mysticism in Persian Sufism*.

در خصوص نکاتی که دربارهٔ فرقه‌های گوناگون جوانمردی خواهم گفت، باید به دو نکته اشاره کنم: ۱. اگر به بسیاری از فرقه‌ها می‌پردازم برای آن نیست که همهٔ فرقه‌ها را از یک جنس می‌شمارم، بلکه به این سبب است که رابطهٔ آنها را با جوانمردی و تصوف روشن کنم؛ ۲. تناسب را رعایت نکرده‌ام، چرا که در پی فراهم آوردن گزارشی همه‌جانبه از همهٔ جوانمردان نیستم. هدف من نشان دادن نقش تاریخی آنان است به صورت کلی و دربارهٔ برخی از آنها لازم بود که نکات ویژه‌ای گفته آید که چنان کرده‌ام. گاهی هم چگونگی اسنادی که در دست داشتم مرا به این سوی کشیده است، هرچند کوشیده‌ام چنین نشود. گاهی هم دربارهٔ فرقه‌ای آگاهی‌های بیشتری یا راهنماتری در دست بود که ناگزیر سمت و سوی بررسی را دگرگون می‌کند.

یکی از پرسش‌های پایه‌ای در این گونه بررسی‌ها چگونگی پای‌گیری تصوف ویژهٔ اهل حرفه می‌توانست بود، زیرا چنان که خواهیم دید، در بیشتر موارد جوانمردی نوعی تصوف سبک و خلاصه‌شده برای اهل حرفه است که وقت، حوصله و دانش لازم برای فراگرفتن تصوف گستردهٔ ایرانی را نداشته‌اند. خلاصه، کوتاه بودن و مهم‌تر از آن پرسش و پاسخی بودن آنها باید ما را به فکر وادارد. چرا تفاوتی چنین بزرگ میان کتب کلاسیک تصوف و رساله‌های جوانمردی دیده می‌شود؟ رساله‌های جوانمردی دست‌نامه‌های تصوف اهل حرفه‌اند. از آنجا که خود تصوف ایران هم از این دیدگاه بررسی نشده است، کار اندکی دشوار است. خوشبختانه بررسی دقیقی در دست داریم که بنیاد مطلب را روشن می‌کند.

متأسفانه در این زمینه نوشته‌های دانشمندان عرب‌زبان کمکی نمی‌کنند. برای نمونه، می‌شود کتاب عبدالفتاح سید صدیق دربارهٔ زنان جوانمرد مصر مراجعه کرد که نام و اخلاق شماری از زنان را به دست داده، اما یک مدرک یا سند ارائه نکرده است.^{۲۵} دو کتاب منتشرشده در سال‌های اخیر بیشتر قابل توجه است، یکی *قلندریه در تاریخ شفیعی کدکنی* و دیگری کتاب ریجون که به نظر من نکات مهمی را از شفیعی و افشاری گرفته است و امتیاز مهم آن روشمندی است.

^{۲۵} سید صدیق عبدالفتاح، *تاریخ فتوات مصر* (قاهره: مکتبه مدبولی، ۱۹۹۸).

دو رسالهٔ جوانمردی را به انتهای این نوشته افزوده‌ام تا خوانندگانی که بخواهند بتوانند آنچه را دربارهٔ آنها گفته‌ام در آنها بیابند و آشنایی عینی‌تری با بحث پیدا کنند.